

شب تاریخی سینمای ایران

نمایش فیلم‌ها جمعه شب به پایان رسید و شنبه آخرین روز جشنواره کن بود.

به گزارش سایت خبری پرسون، روز آخر جشنواره روزی است که تمام فیلم‌های بخش مسابقه یک بار دیگر به نمایش در می‌آیند تا اگر فیلمی را از دست داده‌اید، بتوانید قبل از اهدای جوایز که معمولا ساعت هشت شب است، عقب‌ماندگی‌تان را جبران کنید، اما اگر چندین فیلم را از دست داده باشید، احتمال همزمان شدن این فیلم‌ها همیشه وجود دارد و نوبت به انتخاب می‌رسد. معمولا حرف‌ها و نقدها و صحبت‌ها و احتمالات، در این انتخاب‌ها کمک می‌کند. دو فیلمی که من ندیده بودم، هر دو در ساعت ۱۱:۳۰ صبح، در دو سالن مختلف نمایش داده می‌شدند که من با توجه به نظرات همکاران «درختان بادام» را انتخاب کردم.

فیلم «والریا برونی تدشی» بازیگر و کارگردان فرانسوی ایتالیایی‌الاصل، فیلمی زیبا، با داستانی جذاب و کارگردانی درست بود که مرا در طول ۲ ساعت تماشای فیلم با خودش به تئاتر «درختان بادام» که تیتراژ فیلم از آن گرفته شده و سال ۱۹۸۶ که داستان فیلم در آن اتفاق می‌افتد، برد. اجرای جذاب بازیگران فیلم، زیرنظر «برونی تدشی» به من حس نوستالژی آن زمان را منتقل کرد! حسی عجیب و غریب.

فیلم در مورد عده‌ای جوان است که به مدرسه تئاتر خیلی معتبری که در محل تئاتر «درختان بادام» مستقر است و فقط هر سال دوازده نفر را به شاگردی قبول می‌کند، راه پیدا می‌کنند. اما امسال هم مثل هر سال نوبت به مراسم اختتامیه و اهدای جوایز مختلف که مهم‌ترین‌شان، نخل طلای کن است، رسید.

بعد از دو هفته زندگی در سالن‌های تاریک سینما و در کنار ستاره‌های درخشان سینما، بعد از دیدن فیلم‌های خوب و گاه بد، همه انتظاراتی داشتیم و هر کس به نحوی جوایز را در ذهن خود تقسیم کرده بود و حالا نوبت این رسیده بود تا ببینیم که تا چه حد هیات داوران با ما متفق‌القول بوده‌اند.

من هم مثل اکثر ایرانی‌ها، امیدوار به درخشش ایران بودم و دو فیلم ایرانی حاضر در بخش مسابقه: «برادران لیلا» ساخته «سعید روستایی» و «عنکبوت مقدس» ساخته «علی عباسی» که البته این فیلم، همان‌طور که قبلا توضیح دادم، نماینده ایران در جشنواره نیست، ولی به دلیل اینکه تمام کستینگ و عوامل فیلم فارسی‌زبانند، جایزه بردن فیلم می‌توانست برای ما ایرانیان خبر خوبی باشد. مخصوصا که امسال «اصغر فرهادی» در هیات داوران حضور داشت و این می‌توانست شانس فیلم‌های ایرانی را برای دریافت جایزه بیشتر کند.

مراسم اختتامیه در ساعت هشت و نیم شب، در سالن «لویی لومیر» برگزار شد. این مراسم هر ساله به طور همزمان در سالن «دبوسی» برای خبرنگاران روی پرده سینما بخش می‌شود. با وجود اینکه خبرنگاران می‌توانند برای حضور در سالن اصلی تقاضای بلیت کنند ولی به چند دلیل اکثرا ترجیح به حضور و تماشای مراسم در سالن دبوسی دارند: اول اینکه برای ورود به سالن «لویی لومیر» در این ساعت باید حتما لباس‌های مناسب جشنواره به تن کرد خبرنگاران در روز آخر و با وجود خستگی و فیلم‌های جا مانده و خبرها و نوشته‌های آخر جشنواره، نه وقت آماده شدن برای این مراسم را دارند و نه حالش را. دومین دلیل، وقت گیر بودن رفت و آمد به این سالن است.

باید خیلی زودتر از زمان برگزاری مراسم وارد سالن شد چون ستاره‌های جهانی روی فرش قرمز ژست می‌گیرند و عکاسان از آنها عکس می‌گیرند. بنابراین فرش باید برای حضورشان خالی باشد و قطعا جاهای خوب هم برای همین ستاره‌ها رزرو شده. پس نه تنها باید بیش از یک ساعت زودتر به سالن بروید، بلکه صندلی‌تان هم جای خوبی نیست! در صورتی که می‌شود یک ربع قبل از شروع مراسم، به راحتی به سالن دبوسی رفت و در بهترین صندلی‌ها نشست.

در سالن اصلی مراسم روی صحنه می‌گذرد و اگر جای‌تان بد باشد و دور، می‌شود به راحتی هیچی ندید! از ردیف‌های آخر بالکن نگویم که آن‌قدر دور هستند که فیلم روی پرده به آن بزرگی را هم به کوچکی تلویزیون خانه‌تان می‌بینید، آدم‌هایی که در مراسم روی صحنه هستند که دیگر هیچ!! از آن طرف اما در سالن «دبوسی»، مراسم به طور مستقیم روی پرده بزرگ سینما پخش می‌شود و با کارگردانی و فیلمبرداری خوبی که از مراسم می‌شود، می‌توان از بهترین صندلی‌ها، مراسم را به راحتی روی پرده دید. دلیل بعدی فضا و آمیانس خوب سالن دبوسی است. همه خبرنگاران با کامپیوتر و موبایل و دفتر و دستک خود، همزمان با اجرای مراسم، می‌نویسند و خبرها و برندگان را به روزنامه یا خبرگزاری‌های خود مخابره می‌کنند.

در این بین همه با هم حرف می‌زنند، بحث می‌کنند و در مورد جوایز نظر می‌دهند، در حالی که در سالن اصلی باید ساکت و مودب نشست و به قول معروف صدا از کسی در نمی‌آید و در آخر هم، بعد از اهدای نخل، اگر بخواهید می‌توانید سریع از سالن بیرون روید و به کار و زندگی خود برسید، در حالی که در سالن اصلی حالا حالاها باید نشست تا حرف‌های آخر و شوخی‌های گاه بی‌مزه مجری برنامه تمام شود و بعد هم باید در میان دریایی از آدم‌ها از سالن خارج شد و همان دنگ و فنگ‌های ورود به سالن را برعکس انجام داد. پس من و خیلی دیگر از خبرنگاران در سالن دبوسی به تماشای مراسم نشستیم، و اما از مراسم امسال برای‌تان بگویم.

مجری مراسم اختتامیه باز هم «ویرجینی افیرا» بازیگر فرانسوی بود که اجرای مراسم افتتاحیه را هم برعهده داشت.

به عادت هر ساله، اول جایزه بهترین فیلم کوتاه بخش مسابقه اصلی اهدا می‌شود. این جایزه به «جیانینگ چن» از کشور چین برای فیلم «زمزمه‌های آب» رسید.

بعد از آن اما نوبت به یکی از جذاب‌ترین جایزه‌های جشنواره کن رسید: «دوربین طلایی»! این جایزه تنها جایزه‌ای است که در کل بخش‌های مختلف مسابقه اصلی و فرعی کن که شامل بخش مسابقه، نوعی نگاه، هفته منتقدین و پانزده روز کارگردانان است، مشترک است. هر کارگردانی که در یکی از این بخش‌ها با فیلم اولش شرکت دارد، به طور خودکار، برای این جایزه مسابقه می‌دهد. دو ایرانی تا به حال موفق به بردن این جایزه ارزشمند شده‌اند. اولین نفر «جعفر پناهی» است که در سال ۱۹۹۵ و با فیلم «بادکنک سفید» توانست دوربین طلایی کن را از آن خود کند. دومی هم «بهمن قبادی» است که این جایزه را در سال ۲۰۰۰، برای فیلم «زمانی برای مستی اسب‌ها» به ایران آورد.

امسال این جایزه به فیلم «کره اسب جنگ» ساخته «جینا گمل» و «رایلی کوک» آمریکایی رسید که در بخش نوعی نگاه شرکت داشت و البته در آنجا هیچ جایزه‌ای نبرده بودند.

بعد از این دو جایزه مجری مراسم، داوران بخش مسابقه اصلی که «اصغر فرهادی» هم در میان آنها بود را روی صحنه دعوت کرد تا روی صندلی‌های داورى خود بنشینند و بعد از سخنرانی «رییس هیات داوران»، بازیگر فرانسوی «ونسان لندن»، یکی یکی جایزه‌ها را به برنده‌ها بدهند.

تعداد جوایز امسال زیاد بود. نه تنها دو جایزه «ویژه هیات داوران» و «جایزه بزرگ» هر کدام به طور مشترک به دو فیلم رسیدند، بلکه جایزه‌ای به مناسبت هفتاد و پنجمین سال جشنواره هم اهدا شد که به فیلم زیبای «توری و لاکیتا» رسید. برادران «داردن»، کارگردانان فیلم، جایزه‌شان را به ناوایی در شهر «برنسن» فرانسه تقدیم کردند که برای اعتراض به اخراج کارگر آفریقایی از کشور «گینه» آمده، اعتصاب غذا کرد.

دو فیلمی که جایزه ویژه هیات داوران را بردند «هشت کوه» و «هی هان» هستند. «هی هان» همان فیلمی است که درباره زندگی یک خر بود! «جرزی اسکولیموفسکی» کارگردان ۸۴ ساله آن هنگام گرفتن جایزه از شش خری که به طور مشترک، نقش خر فیلم را بازی کرده بودند نام برد و از تکتک‌شان تشکر کرد.

«جایزه بزرگ» هم به طور مشترک به فیلم زیبای «نزدیک» و «ستاره‌ها در ظهر» رسید. «ستاره‌ها در ظهر» که یکی از آن دو فیلمی بود که ندیده بودم و آخر هم ندیدم.

جایزه بازیگری نقش اول زن اما به «زهرا امیر ابراهیمی» بازیگر فیلم «عنکبوت مقدس» رسید؛ بازیگری که توانست با بازی خوبش در فیلم آخر «علی عباسی» چشم‌ها را خیره کند. او هنگام گرفتن جایزه از سختی‌هایی که در این سال‌ها، دور از وطن تحمل کرده است، حرف زد و گفت که سینما زندگی‌اش را نجات داده است. متأسفانه ایران و ایرانی‌ها هیچ جایزه دیگری نبردند. معمولاً داورها سعی در پارتی بازی برای فیلم‌های کشورشان دارند، حتی اگر آن فیلم‌ها خیلی هم خوب نباشند، ولی حکایت ما ایرانیان در این زمینه هم با حکایت جهانیان فرق دارد و به نظرم متأسفانه حضور «فرهادی» در هیات داوران، بیشتر به ضرر ایران و «برادران لیلا» تمام شد. فیلم «سعید روستایی» که نمایندگی ایران را در جشنواره کن برعهده داشت، با دست خالی از این مراسم برگشت. این فیلم منتقدین و خبرنگاران جهان را متفق‌القول کرده بود و به همین خاطر هم جایزه با ارزش منتقدین «فیبریشی» را به دست آورد. در بخش مسابقه اما فیلم «روستایی» هیچ جایزه‌ای نصیبش نشد تا من و خیلی ایرانی‌های دیگر از «اصغر فرهادی» ناراحت شویم!

«سان کنگ هو» بازیگر فیلم «دلالت» که سه سال پیش هم در فیلم «پارازیت» نخل طلا برده بازی کرده بود، توانست جایزه بهترین بازیگر مرد را از آن خود کند.

فیلم مصری «پسری از بهشت» جایزه بهترین فیلمنامه و «پارک چان-ووک» کره‌ای جایزه بهترین کارگردانی را برای فیلم «تصمیم برای رفتن» گرفت که انصافاً حقش بود.

و اما بزرگ‌ترین جایزه سینمایی جشنواره کن، نخل طلای جشنواره، برای بار دوم به «روبن استلند» سوئدی، برای فیلم جذاب، زیبا، به شدت خوش‌ساخت و در عین حال خنده‌دارش «مثلث غم» رسید تا این کارگردان را وارد جمع خیلی خاص کارگردانانی با دو نخل طلا وارد کند که قبلاً برای‌تان از آن هم حرف زدم.

هر چند از نبردن ایران و فیلم «برادران لیلا» ناراحت شدم اما فیلم برنده نخل امسال را واقعاً دوست داشتم و همان‌طور که موقع دیدن فیلم برای‌تان نوشتم، لایق نخل طلا بود.

جشنواره امسال تمام شد و این شهر جای ماندن نیست، چون این شهر بدون جشنواره سوت و کور است و جای من نیست. تا سال بعد و جشنواره‌ای دیگر و به امید حضور پررنگ سینمای ایران در کن، بدرود.

منبع: روزنامه اعتماد